

معرفی و بررسی چهار شربت اثر میرزا محمد حسن قتیل

محمد افضل

دانشجوی دوره دکتری ادبیات فارسی، دانشکده خاورشناسی

دانشگاه پنجاب لاهور- پاکستان

چکیده:

محمد حسن قتیل شاعر، ادیب، زبان شناس و انشانگار نامدار فارسی زبان در ۱۱۷۲ ق/ ۱۷۵۸ م در فرید آباد، اطراف دهلی به دنیا آمد. چهار شربت یکی از مهمترین کتاب های محمد حسن قتیل است که به "اثریه محمدیه" نیز شهرت دارد. قتیل آن را در ۱۲۱۸ ق به نام سید محمد بن میر امان علی برادر کوچک میر محمد حسین که چهار سال پیش نهر الفصاحت را به نام او نگاشته بود، به سلك تحریر در آورد. این کتاب دارای چهار شربت (چهار باب) است و هر شربت در چند چاناغ (ظرف)، و چاناغ در چند ایاغ (کاسه) مورد بحث قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: محمد حسن قتیل، ادب و شعر فارسی در شبه قاره، زبان شناسی فارسی، ریشه های کلمات فارسی، زبان ترکی، دستور زبان فارسی چهار شربت، چند چاناغ.

محمد حسن قتیل شاعر، ادیب، زبان شناس و انشانگار نامدار فارسی زبان در ۱۱۷۲ق/ ۱۷۵۸م در فرید آباد، اطراف دهلی به دنیا آمد. وی پیش از مسلمان شدن "دیوانی سنگه" نام داشت. نیاکانش هندو بودند و از بتاله به شهری ناشناس هجرت کردند. پدرش درگاهی مل و جدش رای لال جی مل (درگذشته در ۱۱۳۷ق/ ۱۷۲۴م) در دهی به نام باغپت در اطراف میرته به دنیا آمدند. جد بزرگ مادری اش سیالکوتی مل وارسته، انشانگار و فرهنگ نویس معروف روزگار خود بودند. (وحید، ۱۹۹۵، ۲۰۰؛ انجم، ۲۰۰۵، ص ۲۱۷)

در ۱۲ سالگی در ۱۱۸۲م با خانواده اش از دهلی به فیض آباد رفت و در همانجا به شاگردی مرزا باقر شهید اصفهانی درآمد. وی حدوداً پنج سال از اُستادش صرف و نحو، منطق، معانی و بیان، بدیع و ریاضی و عروض عربی و فارسی آموخت و در این دانش ها تسلط کامل به دست آورد به مناسبت "شهید" تخلص استاد و یا به پیشنهادش "قتیل" را به عنوان تخلص اختیار کرد. (وحید، ۱۹۹۵، ص ۲۰۳)

"قتیل" در ۱۸ سالگی در ۱۱۸۸ق/ ۱۷۷۴م مسلمان شد و در همان سال از خانواده خود جدا شد و از لشکر "نواب ذوالفقار الدوله نجف خان" پیوست. پس از آن در ۱۱۹۴ق/ ۱۷۸۰م به دهلی بازگشت و در مجالس شعری شعرا شرکت می کرد و سروده هایش را در آن محافل می خواند. در همان روزگار قتیل، غلام همدانی مصحفی، شاعر و تذکره نویس معاصر خود را برای نوشتن تذکره شعرا به عنوان "عقد ثریا" انگيخت

و درباره بعضی از شاعرانِ معاصرش اطلاعات بسیار مهم به وی داد. پس از اقامت چندماهه در ۱۹۹۶ ق/ ۱۷۸۲ م با مرگ نجف خان و در نتیجه انتقال پایتخت از فیض آباد به لکهنؤ، به اشارت آصف الدوله، به آنجا رفت و نزدیک ۳۶ سال در لکهنؤ اقامت گزید. (مصحفی، ۱۹۳۴ م: ص ۳۶)

قتیل با میر حسن سرایندهٔ مثنوی زندهٔ جاوید ”سحرالبیان“ به زبان اردو، روابط نزدیکی و عمیق داشت، چنان که در ۱۹۹۹ ق/ ۱۷۸۵ م سال پایان مثنوی ”سحرالبیان“ از سوی میر حسن ”ماده تاریخش“ را بدین گونه سروده است:

زدم غوطه در بحرِ فکر رسا
که آرم به کف گوهر مدعا
به گوشم ز هاتف رسید این ندا
برین مثنوی باد هر دل فدا= ۱۹۹۹ ق

محمد حسن قتیل روز شنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۲۳۳ ق/ ۳۱ ژانویه ۱۸۱۸ م هنگام بامداد به با بیماری استسقا در لکهنؤ در گذشت. امام بخش ناسخ از عبارت ”سعدی شیرازی ثانی“ و صاحب بلگرامی از بیت زیر تاریخ مرگش استخراج کرده است:

برای ماتم او گشته اند بی سرو پا
لطیفه و سخن و شعر، نکته، رمز و ادا

(مصحفی، ۱۹۳۴ م: ص ۳۶)

چهار شربت یکی از مهمترین کتاب های محمد حسن قتیل است که به ”اشربه“

محمدیه“ نیز شهرت دارد. قتیل آن را در ۱۲۱۸ ق به نام سید محمد بن میر امان علی برادر کوچک میر محمد حسین که قتیل چهار سال پیش نهر الفصاحت را به نام او نگاشته بود، به سلك تحریر در آورد. این کتاب دارای چهار شربت (چهار باب) است و هر شربت در چند چاناغ (ظرف)، و هر چاناغ در چند ایاغ (کاسه) مورد بحث قرار گرفته است که بدین گونه آغاز می شود:

”نخوت فروشی زبان فصیح بیانانِ بلیغ کلام با برگ گل شاداب در موسم اُردیبهشت وقت تقریر چراست؛ و بر خود بالیدگی قلم بدیع رقصانِ جادو نگار مانند شاخ یاسمین تازه در فصل فرور دین هنگام تحریر از کجا ست؟ اگر نه آن از ذکرِ ثنای بهار پیرایی که مناقیر کُعتان را منخرج الوف نعم دلاویز و مخزن صنوف الحان بهجت انگیز ساخته، ذخیره نُصرت تازه و خُضرت بی اندازه اندوخته؛ و نه این از مدح طرازی مرقع آرای که در پیش صورت نگاری، خامه قدرت کامله اش تصاویر مرقع مانی و بهزاد را نسبت حُبابی با محیط اعظم بیش نیست، قُبای شادابی و خلعت بالیدگی بر قامتِ خود دوخته. خوشا مبدعی که به و شاحِ جواهرِ زواهرِ عقولِ عُنقِ ناظوره سراپا غنچ و دلالِ آفرینش راکه هر لحظه به رنگِ دیگر جلوه گیری می نماید، آراسته؛ و حبّذا مخترعی که غَوّاصِ قلزم، تکتّرِ صورِ نوعیه مخلوقه اش به قعرِ حقیقت نارسیده، برخاسته“.

(قتیل ۲۰۱۶م: ص ۱)

مؤلف در ابتدای متن چهار شربت فهرست مطالب کتاب را خودش بدینگونه

طور درج کرده است:

شریت اول صرف دو چاناغ است: چاناغ اول در عروض؛ چاناغ دوم در قافیه. چاناغ عروض منقسم به نه ایاغ است. ایاغ اول: در بیان لطف شکر اسمای بحور نوزده گانه سالم قدیم و جدید. ایاغ دوم: در شرح کیفیت شراب زمانین ترکیب و بساطت آنها. ایاغ سوم: در اظهار مزه رب اصول و ارکان. ایاغ چهارم: در بذل جهد به پر کردن قاشق و اجزای ارکان. ایاغ پنجم: در ساختن دوشاب تحریر احوال زحافات. ایاغ ششم: در ذکر لذت نبات ز برهای حروف مکتوبی و ملفوظی. ایاغ هفتم: متضمن چکانیدن عسل بحور از شان دوایر. ایاغ هشتم: جامع بریدن سرده و تقطیع و تقطیر رطوبت آن در حلق مشتاقان و دیگر انحاث ضربه. ایاغ نهم: مشتمل بر چار پاره کردن نیشکر، تفصیل اوزان رباعی که در متقدمان شهرت بر دوبیت داشته و ترانه نیز می گفتند.

چاناغ قافیه: انقسام به سه ایاغ دارد.

ایاغ اول: در درست نمودن قوام معنی لغوی قافیه و استعمال آن عرفا با تعداد حروف بر او جاق توضیح. ایاغ دوم: دال بر توضیح مرارت عیوب این فن و به تذکر القاب و صور آن است. ایاغ سوم: در بحث ردیف چاشنی بخش ذوق مشتاقان.

شریت دوم: بایک چاناغ سروکار دارد و صرف این چاناغ قند مصطلحات اهل زبان است.

شریت سوم: در سه چاناغ ریخته می شود.

چاناغ اول: مملو از نقوع زرد الو و کشمش و آلوی فقرات نثر است و سه بخش ازان به سه ایاغ رسیده. بخش اول: در نثر فاضلانه. بخش دوم: در نثر صوفیانه. بخش سوم:

نثر منشیانه. چنان‌خ دوم: منحصر در دو ایاغ است: یکی: از اخبارِ خوش مذاقان به این که چگونه آغازش توان کرد و چسان به انجام باید رسانید. دیگر: پختن چای مودای که نثاران را به کار آید. چنان‌خ سوم: پُر از میوه درختِ مکاتیب و نصیب چار ایاغ است.

ایاغِ اوّل: مبنی بر مکاتیبِ رنگین که ابرو با نثر ظهوری تُرش می کند. ایاغِ دوم: مزین به مکاتیبِ بلیغی که سیرابی فقراتش ناز به عصیره خرمای عرب می فروشد. ایاغِ سوم: مخزن مکاتیب ساده که رونق بازار کیفیت ترنجبین نثرِ عاری شکسته. ایاغِ چهارم: پُر از رقعاتی است که روانیش زبان لاف خلاصه می خوش ثمره‌ندی روزمره بسته.

شربت چهارم: از يك چانناغ ما لا مال آب منجمد انگور زبان ترکی به چار ایاغ رسانیده، می آید.

ایاغِ اوّل: عذب البیان سازِ مشتاقان به مفردات است. ایاغِ دوم: رطب اللسان فرمای تشنه لبان وادی شوق مصادر باشد. ایاغِ سوم: به فشار فخری تصریف تازه کنِ دماغ سخنوران روزگار گشته. ایاغِ چهارم: در ریختن بضاعت ریش بابای بعضی قوانین ترکی که دانستن آن واجب است. (همو، همان، ۹۸)

محمد حسن قتیل در علوم متداول و زبان‌های مشرق زمین علاوه بر فارسی به عربی و ترکی نیز تسلط کامل داشت. او برای اظهار این قدرت و چیرگی به عربی بعضی جا در کتابش عباراتی بها این زبان درج کرده است.

أَحْمَدُهُ، عَلَى مَا أَنْعَمْتِي مِنْ ثَمَرَاتِ اللِّسَنِ وَالطَّلَاقَةِ وَأَشْكُرُهُ عَلَى مَا أَحْسَنَ إِلَيَّ بِإِفَاضَةِ الْبَرَاعَةِ وَالرَّشَاقَةِ قَابَ يَخُشِي O

او به زبان ترکی نیز مهارت داشت درجای جای کتاب عبارات ترکی نیز آورده است.
”لیق اشولایزیغه کیم برسوتو که دین او زی معرفت کؤک نی قوباشی یعنی انسان
نی چقار و پوزنینگ. چتوق اول تنگرینی کم مز و بری نیمه لازلی عدم نینگ ولا بنی دین
وجود نینگ یالی نیاردی“. (قتیل، ۲۰۱۶م: ص)

مؤلف چهار شربت از آنجا که در شعر گوئی از اُستادانِ فی شعر مسلمانان،
آموزش دیده و دین خود را ترک گفته، اسلام پذیرفت، حمد و نعت گوئی را سببِ سعادت
و خرسندی می دانست. چنان که در مقدمه چهار شربت پس معرفی ابواب و مطالب
کتاب به حمدِ خدای عز و جلّ پرداخته و بیت های اُستادانه در حمد بدین گونه سروده
است:

تعالی اللّٰه خدای بنده پرور
که پنهان کرده اندر قطره گوهر
نه می از چشمه جودش جهانست
حباب بحر علمش آسمانست
شد از فرمان آن حیّ توانا
نمایان آخشیجان از هیولا

(همو، همان، همانجا)

قتیل پس مباحث مقدماتی و درج ابیات در حمد و نعت فهرست مطالب کتاب
”چهار شربت“ را در ابتدا بدینگونه ذکر کرده است. نعت:

سبحانک یا من خلق الشمس صبیحاً
سبحانک یا من جعل السِّلَّ لباساً
لا یحسب اوصافک سرّاً و ظهوراً
ما تحصر الاوک و همماً و فیاساً

(قتیل، ۲۰۱۶م: ص ۲)

نعت

بود به عقدِ گهر همسری کلامش را
کسی که محو ثنای محمد عربیست
کنند نسبتِ عرش از به آستانه او
فغان ز عرش برآید که این چه بی ادیست

(همو، همان: ص ۴)

قتیل بعد از حمد خدای بزرگ و درج نعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
به شرح ایاغ هایی که در کتابش به توضیح آنها قلم فرسوده، توجه کرده است:
شربت اوّل صرف دو چاناغ است: چاناغ اوّل در عروض؛ چاناغ دوم
در قافیه. چاناغ عروض منقسم به نه ایاغ است.

ایاغ اوّل: در بیانِ لطفِ شکر اسمای بحورِ نوزده گانه سالم قدیم و جدید. ایاغ
دوم: در شرح کیفیتِ شرابِ زمانین ترکیب و بساطت آنها. ایاغ سوم: در اظهار مزه رب
اصول و ارکان. ایاغ چهارم: در بذل جهد به پر [۳ الف] کردن قاشق و اجزای ارکان. ایاغ
پنجم: در ساختن دُو شاب تحریر احوال زحافات. ایاغ ششم: در ذکر لذت نبات زبرهای

حروفِ مکتوبی و ملفوظی. ایاغ هفتم: متضمن چکانیدن عسل بحور از شانِ دوایر. ایاغ هشتم: جامع بریدن سرده و تقطیع و تقطیر رطوبت آن در حلق مشتاقان و دیگر انحاء ضروبه. ایاغ نهم: مشتمل بر چار پاره کردن نیشکر، تفصیل اوزان رباعی که در متقدمان شهرت بر دوییت داشته و ترانه نیز می گفتند.

شریت دوم که بایک چاناغ سرو کار دارد و صرف این چاناغ قند مصطلحات اهل زبان است. آن دفتر را گاو خورد: یعنی آن حساب پاک شد. به هند رفتن حنا و از هند در گذشتن حنا: کنایه از کمال سرخی رنگ حنا که به سیاهی زند. اختر در گذر: ساعت سعید: اُردک پرانیدن: ظرافت سر کردن، اُردک به زبان ترکی مرغابی است. روغن قاز مالیدن و باغ سبز نمودن و آب به زیر کسی سردادن: به معنی فریب دادن باشد. آب به پای کسی ریختن و بردست کسی ریختن: مراد از خدمت گذاری اوست.

شریت سوم: به والا خدمت مردمان از هار معانی و عالی جناب مستفیحان انوار نکته دانی که جد اول صفایح و نیایع صحایف محتاج و مشتاق تقاطر مردن اقلام و ترشح عیوم اصابع ایشان می باشد گذارش داده می آید که از سبب فقدان مشتری اجناس غالیه الاثمان فنون شریفه مدتی است که سر از صندوق و بوغ خفا بیرون نمی آرد.

مختصر این که از علوم می که تعلق به نثر دارد، یکی دانستن لغات و محاورات زبان باشد، دیگر معرفت معانی و بیان و بدیع در عربی و بیان بدیع در فارسی. دیگر آشنایی باقافیه که در نثر به سجع تعبیر کنند. دیگر سیر تصانیف استادان این فن این قدر معلومات کافی است. و نثر راسه گونه بنا گذاشته اند: عاری و مسجع و مرجز.

شربت چهارم: نور چشمی میرزا عبدالرشید سلامت باشند نوشته بودید که هر چند دست و پا می زنم، راه به جای نمی برم آخر به مجبوری شهر را می گزارم يك دو فاقه استقلال مرا برهم نمی تواند زد و زیاده ازین مرد این میدان نیستم. و هر قدر که فکر میکنم، جای بخیال نمی رسد که نان بدست آید و آبرو از دست نرود. این قدر هست که آدمی خود را در بردر آن ذلیل نکند، در اغیار هر چه پیش اید مضایقه ندارد. مختصرین که شربت شربت چهارم: از يك چاناغ ما لا مال آب منجمد انگور زبان ترکی به چار ایاغ رسانیده، می آید.

ایاغ اول: عذب البیان سازِ مشتاقان به مفردات است. ایاغ دوم: رطب اللسان فرمای تشنه لبان وادی شوق مصادر باشد. ایاغ سوم: به فشار فخری تصریف تازه کن دماغ سخنوران روزگار گشته. ایاغ چهارم: در ریختن بضاعت ریش بابای بعضی قوانین ترکی که دانستن آن واجب است.

قتیل چهار شربت را با عبارت زیر به پایان رسانیده است:

”هر چه در این کتاب ”چهار شربت“ ... خلط نوشت شده به استعمال قلب معلوس و تطبیق ارقام محاسبان بر حروفی که بدایت آن یکی ونهایتش هزار است، معلوم باید نمود. تمام شد.“ (قتیل، ۲۰۱۶: ص ۱۴۳)

محمد حسن قتیل به راستی یکی از بزرگترین زبان شناسان، دستور و عروض دانان فارسی در شبه قاره است، او به تنها این که در زمینه مذکور مطالب بسیار مستند و قابل توجه ادب و شعر دوستان فارسی درج کرده؛ بلکه در زمینه های فوق الذکر

اصطلاحات نو نیز خلق و ابداع کرده است.

هر چند در نوشته های ادبی فارسی اصطلاحاتِ انهار، جوی ها و رود و غیره و میوه ها فراوان پیش از دوره قتل درج می شده است؛ اما به وفور و کثرتی و حسن و زیبایی در نوشته های قتل این اصطلاحات به نظر می رسد، هم شائسته ستایش و هم لائق پیروی ادیبان و شاعران بعدی است. نکته خیلی جالب درباره نثر نویسی محمد حسن قتل و به طور خاص در نثر چهار شربت این است که او در بیان اندیشه های خود خیلی صریح و نظر روشن و در عین حال دقیق دارد. او مطالب مورد بحث را در جمله های کوتاه، ساده و روان، اما خیلی ادیبانه مُزین با اصطلاحات ادبی زیبا درج می کند. خلاصه این که محمد حسن قتل نه تنها در شعر سرائی به ویژه در غزل های عاشقانه مقام والائی دارد، بلکه در نثر نویسی نیز جایگاه او در قرن سیزدهم هجری در شبه قار بسیار بلند است. او را می توان در زمره ادیبان و شاعران فارسی قرار داد که الگوی ادیبان و شاعران دوره های بعدی اند.

یادداشت ها و کتابشناسی منابع:

- انجم، خلیق، (۲۰۰۵م)، غالب کا سفر کلکتہ اور کلکتے کا ادبی معرکہ، دہلی.
- زاهدہ پروین، (۲۰۱۰م) دیوان قتل، رسالہ دکتری در دانشگاه جی سی لاهور، لاهور.
- قتل، میرزا محمد حسن، (۲۰۱۶م) تصحیح چهار شربت (همین رسالہ)، لاهور.
- مصحفی، غلام ہمدانی، (۱۹۳۴م) عقدِ ثریا، به کوشش مولوی عبدالحق، اورنگ آباد.

۶۲ محمدافضل/ معرفی و بررسی چهار شربت اثر میرزا محمد حسن قتیل

- نسیم الرحمان، (۲۰۱۵م)، تصحیح نهر الفصاحت، لاهور.
- وحید قریشی، (۱۹۹۵م) میرزا محمد حسن قتیل: احوال و آثار، در ”مطالعہ ادبیات فارسی“ لاهور.
